

تلفیق اخلاق محیط زیست با رهیافت ارزیابی راهبردی محیط زیست برای دستیابی به توسعه پایدار

مهندس محمدحسین محمدی آشنانی*^۱، دکتر علی محمدی آشنانی^۲ و مهندس الهام حسنی^۳

۱. گروه برنامه‌ریزی، مدیریت و آموزش محیط زیست، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

۲. دانشکده علوم و فنون، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۳. گروه مهندسی منابع طبیعی، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه خلیج فارس

چکیده

زمینه: تداوم بحران‌های زیست بر کره، انسان را به ضرورت بازنگری در شیوه برخورد خویش با محیط زیست در جریان توسعه یافتگی واقف نمود. در همین راستا، فنون و روش‌های علوم محیط زیست گسترش یافت که متداول‌ترین آن، انجام ارزیابی آثار طرح‌های توسعه بر محیط زیست (EIA) بود. اما این فنون و بخصوص EIA، از یک سو رویکردی اصلاحی دارند نه پیشگیرانه و از سوی دیگر قادر به تجزیه و تحلیل جامع اقدامات متنوع انسان که اغلب دارای اثرات تجمعی، القایی و ترکیبی می‌باشد، نیستند. وجود چنین نواقصی توجه به ارزیابی راهبردی محیط زیست را که رویکردی با نگرش راهبردی (P.P.P) است ضروری می‌سازد تا ارزیابی‌های زیست محیطی در سطوح مختلف خط‌مشی‌گذاری، برنامه‌ریزی و عملیاتی صورت گیرد. اما این رویکرد نیز به دلیل اینکه در مراحل "مفهومی و تدوین" یک الگو تصمیم‌گیری دخالت ندارد، نمی‌تواند نقش فعال خود را در توسعه پایدار به خوبی بازی کند.

نتیجه گیری: بنابراین با توجه به اینکه الگوهای تصمیم‌گیری از نظام ارزشی پیروی می‌نماید، تلفیق نمودن اخلاق محیط زیست که شالوده نظام ارزشی می‌باشد با ارزیابی راهبردی محیط زیست، با رفع نواقص پیشین، می‌تواند حفظ و ارتقاء محیط زیست را هدف قرار داده و چارچوبی نو و جدید برای حل بحران‌های زیست محیطی ارائه دهد. در این مقاله نگارندگان با ارائه نظریه "تلفیق اخلاق محیط زیست با رهیافت ارزیابی راهبردی محیط زیست"، فرایندی جدید را برای ارزیابی‌های زیست محیطی طرح‌های توسعه برای نیل به «توسعه پایدار» پیشنهاد می‌کنند.

کلید واژه‌ها: اخلاق محیط زیست، ارزیابی استراتژیک، رویکرد پیشگیرانه.

سر آغاز

محیطی مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از طرفداران محیط زیست اکنون بر این اعتقادند که سیاست‌های زیست محیطی نه تنها می‌باید از جامعیت برخوردار باشند، بلکه اینگونه سیاست‌ها در اجرا، محتاج حمایت‌های فرهنگ دینی و اخلاقیاتی هستند که زیربنای حفاظت‌های محیطی می‌باشند (۳). زیرا به اعتقاد طرفداران این نظریه، نقش تاریخی اخلاق مذهبی در حفاظت از محیط، مؤید آن است که از دست‌دادن ارتباط معنوی با طبیعت، حفاظت آن را دشوار نموده است (۴، ۵).

بدون شک بحران‌های زیست محیطی معاصر، زاینده اندیشه‌های مادی‌نگر، توسعه طلب، سلطه جو و پیامد ناگوار اشتباهی سیری ناپذیر رهبران سیاسی، مدیران اقتصادی و در یک کلام معلول کژ اندیشی فکری و جهالت عملی انسان در جهان است (۶). آشفتنگی و بی‌نظمی

بحران کنونی زیست بر کره را با هیچ مشکل جهانی دیگر، از ابتدای تاریخ تاکنون، نمی‌توان مقایسه کرد. تاکنون هیچ مشکلی وجود نداشته که بر تمام مسائل عصر ما و سیاره ما، بر سطح خارجی و درون و اعماق زمین، موجودات زنده بر آبکره و هواکره این چنین اثر گذاشته و با آنها در تأثیر و تأثر متقابل بوده باشد (۱). اگرچه دست‌اندرکاران محیط زیست در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ چیزهای زیادی به علوم محیط زیست اضافه نکردند، ولی محرک نوعی جستجو برای اخلاق زیست محیطی و توسعه نوین شدند (۲). در دهه اخیر، به دلیل تداوم بحران‌های محیط زیست (علیرغم پیشرفت علم و فناوری)، خوشبختانه دیدگاه جهانی نسبت به اخلاق تغییر کرده و به عنوان عاملی مؤثر در رفع بحران‌های زیست

زندگی در نزد جوامع و ملل و تمدن‌ها، بنابر باورها و اعتقاداتشان، معانی ویژه‌ای را دارند که در طیف وسیعی از تقدس تا مادیت صرف، قابل طبقه‌بندی‌اند.

مسئله اساسی این است که بشر امروز بدون توجه به حکمت و فلسفه و جهان‌شناسی معنوی و غفلت از فرهنگ غنی خویش، به سراغ علم و فناوری رفته است (۱۱). او با حساب و کتاب مادی، سوداگر و عقل‌حسابگر و تجارت‌پیشه، قصد حل معضلات را دارد و این ممکن نیست (۱۲). انسان معاصر باید دریابد که بحران‌های محیط زیستی معاصر در وهله اول، بحران اخلاقی و معنوی می‌باشد (۱۳). این مشکلات، حاصل بی‌توجهی به کلیت، وحدت، قانونمندی، تعادل طبیعت و نتیجه نوعی فساد در زمین است. فساد هم تنها تخلیه پساب‌های آلوده و مسموم صنعتی به درون منابع آب‌های طبیعی نیست، بلکه هرگونه خروج از عدالت و تعادل، هر بی‌توجهی به هماهنگی و وحدت عالم وجود، هر بی‌اعتقادی به هوشمند بودن عالم هستی و هر عمل مسرفانه و میذرگونه و ستمکارانه، به نوعی فساد در زمین تلقی می‌شود که مخالف اصلاح و در نتیجه در تقابل با ظهور محیطی سالم برای حیات طیب انسان است (۸).

بدینسان اگرچه فناوری بسیاری از مسائل را حل می‌کند، ولی خود مشکلات جدیدی به بار می‌آورد که برای حل آنها، نیاز به تخصص‌های پیچیده و فناوری گران‌تر است. در نتیجه، قسمت اعظم پول، منابع، انرژی و خلاقیت ما صرف رفع مشکلات می‌شود تا صرف شکوفا کردن روح انسان که با ارزش‌ترین منبع ماست. اما وجود بحران در عین حال فرصتی برای تغییر طرز فکر و عمل است (۱۴).

جهان بینی انسان و جوامع، در روند فعالیت‌هایشان که تماس و بهره‌گیری از طبیعت نیز بخشی از آن است، نقشی در خور توجه ایفا می‌نماید و حتی در مقوله ابعاد کمی و مادی نیز جنبه معنوی جهان بینی‌ها تأثیر بسزایی دارند. به این معنا که با تغییر میزان اتکای جهان بینی و مکتب فکری بر معنویت، تأثیر آن بر چگونگی برخورد با جنبه مادی طبیعت نیز متفاوت خواهد بود (۵). امروزه که بشریت در ارتباط با طبیعت و در زمینه نحوه برخورد و بهره‌برداری از آن و در عواقب ناشی از برخوردهای گذشته که حاصل به کار بستن نگرش‌های مختلف است تجارب متفاوت و متنوعی را در دسترس دارد، گرایش به سمت دخیل نمودن معنویت در طرح‌ها و برنامه‌های محیط زیستی نیز در دستور کار و مطالعه قرار گرفته است (۱۵، ۱۶).

زندگی و جامعه و بحران‌های زیست محیطی، حکایتی روشن از آشفتگی درون انسان‌هاست و بدینسان است که صلح و صفا و طراوت محیط‌زیست زندگی نیز تنها در صورت تحقق آنها در درون آدمیان امکان‌پذیر است (۷). کنار نهادن آموزه‌های اخلاقی و در نتیجه خواسته‌های نامحدود و مطلق، موجب پیدایش جنگ، نزاع، زیاده‌خواهی، تجاوز از حد و حق خود، بی‌عدالتی، مصرف‌زدگی، تخریب طبیعت، افزایش گازهای گلخانه‌ای، استثمار، آلودگی و ... می‌شود؛ زیرا تا «درون انسان‌ها تحول پیدا نکند»، برون و زیستگاه آنها، دگرگون نخواهد شد (۸).

به نظر می‌رسد انسان معاصر نیازمند بازنگری در شیوه برخورد خویش با محیط زیست است. انسان، موجود محوری عالم است، ولی محور عالم نیست. بنابراین همه چیز برای انسان آفریده نشده است و به جز انسان، همه اجزاء محیط زیست نیز دارای ارزش ذاتی می‌باشند (۹). در فرهنگ اخلاقی، موضوع سلطه بر جهان مطرح نیست؛ بلکه همسازی و هماهنگی با عالم و محیط زیست در جهت کمال معنوی، موضوع اصلی است. نکته بسیار مهم این است که در طرح‌های توسعه هیچ یک از موضوعات کمی و کیفی نباید مغفول نهاده شوند، بلکه همگی آنها باید به‌طور همزمان مورد توجه جدی قرار گیرند، بنابراین با تأکید بر نیاز به حضور یک پایه علمی برای حل بحران‌های زیست محیطی، حضور عامل اخلاق در بحث‌های محیطی ضروری می‌نماید و در این راستا می‌باشد که باید در روند انجام مطالعات طرح‌های توسعه تحولاتی بنیادین صورت گیرد (۱۰). هدف از این تحقیق ارائه یک فرایند علمی، کاربردی و جدید برای برطرف نمودن نواقص، کمبودها و مشکلات ارزیابی‌های محیط زیست می‌باشد، تا بتوان با به کارگیری آن در سطوح کلی و راهبردی، فرایند برنامه‌ریزی، با یک چارچوب علمی، بومی و جامع‌نگر در جهت توسعه پایدار حرکت کرد.

اخلاق و محیط‌زیست

محیط و فضای زیست انسان، متشکل از کلیه اجزایی است که تحت قوانین و شرایط بیولوژیکی، فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و در یک کلام کلیه امور معنوی و روانی و مادی انسان شکل گرفته‌اند. به بیان دیگر این مجموعه، در عین حالی که تمام موجوداتی را که در آن زیست می‌کنند در بر می‌گیرد، مجموعه روابط و واکنش‌های متقابل آنها بر یکدیگر را (که می‌توان آنها را قوانین حاکم بر عالم وجود خواند) شامل می‌شود. هر یک از اجزای محیط

تسلط عوامل اکولوژیکی را کاهش داده، بلکه حتی بدلیل حجم و شدت فعالیت‌های انسانی، تعادل این سیستم‌ها را نیز به هم زده، تا جایی که خطرات عمده‌ای که از جانب سیستم‌های اکولوژیکی متوجه جوامع انسانی می‌باشد به دلیل بر هم خوردن تعادل این سیستم‌ها است.

آنچه مسلم است، این است که هر اقدام و تصمیم انسان بر محیط زیست اثر می‌گذارد و دیگر آنکه، فعالیت‌های انسانی، چه خرد و چه کلان در بستر نظام اکولوژیکی، مجتمع می‌گردند و چه بسا که فعالیت‌های خرد انسان به علت فراوانی، تکرار و توزیع گسترده و تجمع آنها در محیط زیست، در افت کیفیت محیط، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته، باشند (۲۲). در این راستا یکی از تدابیر گسترش یافته، انجام ارزیابی آثار توسعه بر محیط زیست^۱ برای طرح‌های بزرگی می‌باشد که دارای پیامدهای احتمالی با اهمیتی در محیط زیست می‌باشند.

ضرورت ارزیابی استراتژیک محیط زیست

پژوهش‌های اخیر نشان داده است که بسیاری از بحران‌های محیط زیست، ناشی از آثار تجمعی^۲، القایی^۳، مزمن و ترکیبی^۴ می‌باشند. آثار تجمعی، اغلب از فعالیت‌هایی ناشی می‌شوند که هر یک به تنهایی با اهمیت تلقی نمی‌گردند، اما هنگامی که تجمع حاصل می‌کنند، موجب تغییرات محیط زیستی با اهمیتی می‌شوند (۲۳). آثار تجمعی به صورت القایی نیز می‌توانند بروز یابند. به عنوان مثال با احداث یک بزرگراه، کاربری‌های اطراف بزرگراه نیز تغییر می‌یابند (۲۴) و چرخه حیات آن را مورد تحول قرار می‌دهد.

اقداماتی که انسان در محیط زیست انجام می‌دهد، علاوه بر اثر انفرادی و تجمعی، دارای اثر ترکیبی نیز می‌باشند. اثر ترکیبی، اثر متقابل بین دو یا چند فعالیت در جهت کاهش، یا تقویت آثار یکدیگر می‌باشند که اگر این ترکیب شدن در جهت افت کیفیت محیط زیست عمل کند محاسبه آن باید مورد ملاحظه قرار گیرد. با توجه به توضیحات پیش گفته، آثار فعالیت‌های انسانی بر کیفیت محیط زیست را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. آثار طرح‌های انفرادی بزرگ مقیاس
۲. آثار تجمعی
۳. آثار ترکیبی

از ابزارهای بسیار مؤثری که برای بررسی فعالیت‌های انسانی بر محیط زیست متداول شده است، فرآیند ارزیابی آثار توسعه بر محیط

اخلاق محیط زیست، شاخه جدیدی از اخلاق فلسفی است که به دلیل ضرورت‌های دوران معاصر شکل گرفته است. اخلاق محیط زیست، در وسیع‌ترین مفهوم خود، عبارتست از مطالعه رابطه ما با همه چیزهایی که جزئی از محیط زیست به‌شمار می‌آیند. این رابطه موجودی است که دارای احکام اخلاقی است؛ موجودی که برای او موضوع درستی و نادرستی قابل طرح است. گفتنی است تعبیر "همه چیزها" که در تعریف پیش، به کار رفته است، شامل سایر انسان‌ها و آنچه که انسان می‌سازد، نظیر ماشین و شهر و ... نیز می‌شود (۱۷).

اخلاق محیط زیست، نقش انسان را به‌طور مؤثر، از فاتح زمین به شهروند و محافظ محیط تغییر می‌دهد. لازمه این نقش جدید آن است که زمین را به چشمی بنگریم که در خور احترام و عشق است و نه صرفاً یک کالای اقتصادی که باید آن را مصرف کرد و به دور ریخت. اخلاق، زمینیان را در مقام کارگزار طبیعت می‌بیند و برای او در پایداری طبیعت، برای خود و نسل‌های آینده‌اش مسؤلیت قابل است (۱۸). اکنون اگر چه بیش از سی سال است که بحث‌های مربوط به اخلاق و محیط زیست در محافل علمی و تخصصی مورد توجه قرار گرفته است (۱۹، ۲۰) ولی هنوز در نخستین گام‌ها در حوزه عملی است.

توسعه و محیط زیست

کمیابی منابع از یک سو و وقوع بحران‌های محیط زیستی از سوی دیگر، نگرانی شدیدی در سطوح مختلف انسانی ایجاد نموده که نتیجه آن ضرورت لحاظ نمودن معیارهای محیط زیستی در فعالیت‌های توسعه می‌باشد (۱۰). سیستم‌های انسانی به لحاظ زمانی، نسبت به سیستم‌های بوم شناخت، سیستم‌های متأخر می‌باشند، که شکل‌گیری آنها با تکوین و سازمان‌یابی انسان در قالب گروه‌های اجتماعی آغاز شده است. به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد انسان، سیستم‌های انسانی در طی زمان، رشد تدریجی و در مراحل، رشد جهشی را تجربه نموده‌اند و رفته رفته دامنه اثرگذاری آنها گسترش یافته است. اما در هر حال موضوعی که توجه به آن مهم می‌باشد، آن است که سیستم‌های اکولوژیکی نه تنها ظرف و بستر سیستم‌های انسانی را تشکیل می‌دهند، بلکه تأمین‌کننده مواد و ورودی‌های مورد نیاز و جذب‌کننده ضایعات این سیستم‌ها نیز می‌باشند (۲۱).

در ارتباط تاریخی بین سیستم‌های انسانی و طبیعی، سیطره و تسلط سیستم‌های اکولوژیکی بر سیستم‌های انسانی کاهش یافته، به گونه‌ای که انسان به کمک اکتشافات متنوع نه تنها تا حدود زیادی

برنامه‌ریزی تعریف شده می‌باشد (۳۱، ۳۲) ولی همچنان این اقدامات ناکافی است.

تجربه ارزیابی اثرات در سطوح راهبردی از سطح طرح‌ها محدودتر است، ولی در حال توسعه می‌باشد و خوشبختانه در کشورهای مثل آمریکا و هلند و اخیراً جامعه اروپا تلاش‌هایی صورت گرفته است تا اتخاذ یک خط‌مشی «ارزیابی در سطوح مختلف» و تحقیق در این زمینه، تشویق گردد (۲).

تلفیق ارزیابی راهبردی محیط زیست و اخلاق محیط زیست

متأسفانه اغلب فنون علوم محیط زیست، تکنیک‌های اصلاحی هستند زیرا انسان‌ها غالباً به جای سنجش وضعیت و اقدام به پیشگیری، نسبت به پیامدهای مسائل عکس‌العمل نشان می‌دهند (۲) در حالی که آموزه‌های اخلاقی، دیدگاه‌هایی با رویکرد پیشگیرانه و قبل از اقدام هستند.

نظر به اینکه مهم‌ترین ویژگی یک ارزیابی محیط زیستی مطلوب، فعال بودن آن در فرایند توسعه پایدار است (۳۳)، صرف بررسی خط‌مشی‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های عملیاتی (سطوح راهبردی) در ارزیابی راهبردی محیط زیست، به لحاظ تطابق‌پذیری آنها با معیارهای محیط زیستی کفایت نمی‌کند، زیرا ممکن است در مرحله‌ای که باید در مورد ضرورت "تدوین" طرح و اجرای آن تصمیم‌گیری شود، تصمیمات غیرقابل برگشتی گرفته شود که اصلاح آنها مستلزم هزینه‌های بسیار بالایی باشد. با توجه به این نقص در ارزیابی راهبردی محیط زیست، می‌توان نتیجه گرفت که محل و زمان کاربرد مؤثر ارزیابی محیط زیست باید در مرحله "تدوین" خط‌مشی‌ها باشد (۳۳). بنابراین با توجه به اینکه الگوهای تصمیم‌گیری از نظام ارزشی پیروی می‌کنند، می‌توان با تلفیق اخلاق محیط زیست که شالوده نظام ارزشی جامعه می‌باشد، با ارزیابی راهبردی محیط زیست، نظامی جامع، کامل و بدون نقصی را برای تصمیم‌سازی متصور شد. با توجه به شکل شماره ۱ که فرایند پیشنهادی برای روند اجراء ارزیابی راهبردی محیط زیست تلفیقی با اخلاق محیط زیست را که محصول این مقاله می‌باشد نشان می‌دهد، ما می‌توانیم قبل از تصویب نهایی اجراء هر یک از طرح‌های توسعه، مطابقت آن را با ملاحظات اخلاق محیط زیست و ارزیابی راهبردی محیط زیست در سطوح راهبردی (P.P.P) مورد بررسی قرار داده و بر اساس نتایج حاصل از آن در مورد طرح‌های توسعه، تصمیم‌گیری نماییم. همانطور که در شکل شماره ۱ مشاهده می‌گردد در مرحله اول، تطبیق کلی

زیست (EIA) می‌باشد. آغاز کارکرد EIA در سطح طرح‌های انفرادی است. که در بسیاری از کشورها فهرستی از طرح‌های بزرگی که نیازمند EIA می‌باشد تهیه گردیده است و اگر طرحی در فهرست اشاره شده قرار گیرد، ملزم به ارائه EIA خواهد بود. با وجود سودمندی EIA در سطح پروژه^۵، از آنجا که این نوع از ارزیابی‌ها پس از تصویب و طراحی طرح بکار می‌رود و در بهترین حالت، طرح‌هایی از قبل نوشته شده را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، نوعی رهیافت منفعلانه در نظام برنامه‌ریزی محسوب می‌شود (۲۵) و در فرهنگ برنامه‌ریزی از انواع رویکردهای "انتهای چرخه"^۶ می‌باشند. حال آنکه ماهیت پیامدهای محیط زیستی بیانگر آن هستند که رهیافت‌های مورد نیاز، می‌باید فعال و جامع بوده و در سطوح مختلف فرایند برنامه‌ریزی وارد شوند و به عنوان مبنا در طراحی و تدوین طرح‌ها لحاظ گردند.

برای آنکه بتوان آثار تجمعی و ترکیبی را ارزیابی نمود باید رویکردی برنامه‌ای و راهبردی در سطوح مختلف نظام برنامه‌ریزی وجود داشته باشد، زیرا این برنامه‌ها هستند که به دلیل جامعیت و جایگاه اثرگذاری می‌توانند تکثیر فعالیت‌های مختلف را در مسیر صحیح هدایت کنند.

نواقص در رهیافتها، لزوم تحول ارتقای EIA از سطح طرح را به نحوی که ویژگی پیشگیری‌کننده و خصلت فعال آن را محقق سازد، ضروری می‌نماید و در این راستا، یکی از تحولات اساسی ارتقای کاربرد EIA در سطوح راهبردی، یعنی سطوح مختلف فرایند برنامه‌ریزی می‌باشد که تحت عنوان ارزیابی راهبردی محیط زیست^۷ مورد بحث قرار می‌گیرد (۲۶).

ارزیابی راهبردی محیط زیست یک فرایند و رویکرد سامانمند و نوین است که شناسایی، پیش‌بینی و ارزیابی اثرات و پیامدهای زیست محیطی را در عالی‌ترین سطوح تصمیم‌گیری مدنظر قرار می‌دهد (۲۷). SEA ابزاری است که عواقب محیط زیستی تصمیم‌گیری‌ها را بر اساس اطلاعات و مقیاس موضوعات (۲۸) در سطوح مختلف برنامه‌ریزی، اعم از خط‌مشی‌گذاری^۸، طرح‌ریزی^۹ و برنامه‌های عملیاتی^{۱۰} که در مجموع به عنوان سطوح راهبردی (P.P.P) طبقه‌بندی می‌گردند مورد ارزیابی قرار می‌دهند (۲۹). مفهوم SEA به دنبال تلاش‌های انجام شده در جهت تحقق توسعه پایدار شکل گرفته است و وجه مشخصه این نوع ارزیابی، توانایی آن در بررسی سامانمند (۳۰) آثار تجمعی، ترکیبی و القایی در محدوده

(۳۴)، بنابراین، این فرایند یک فرایند ارزیابی در سطوح راهبردی است که بیشتر مقایسات و ملاحظات به‌طور کلی و کیفی، نه به‌صورت کمی، صورت می‌گیرد و ارزیابی‌های کمی موضوع این فرایند نیست. در نهایت با تأثیر نتایج تلفیقی ارزیابی راهبردی محیط زیست و اخلاق زیست محیطی در مرحله‌ای که برنامه‌ریزی در مقطع مراحل مفهومی^{۱۱}، راهبردی و جهت‌گیری کلی است، می‌توان ضمن جلوگیری از اتخاذ تصمیمات غیرقابل برگشت، معیارهای ارزیابی زیست محیطی را بالا برده و همخوان با نظام ارزشی جامعه نمود (۳۵).

نظر به اینکه توان اصلی ارزیابی راهبردی محیط زیست، نسبت به ارزیابی‌های محیط زیستی طرح محور، تصحیح جهت و مسیرهاست و بیش از آنکه به موقعیت‌های مشخص بپردازد به اصلاح مسیرهای منتهی به موقعیت‌های مختلف می‌پردازد (۳۶)، تلفیق درست، علمی و کاربردی آن با اخلاق محیط‌زیست می‌تواند با فراهم‌آوری اطلاعات اساسی، علاوه بر ایجاد رویکردی پیشگیرانه، دیدگاه‌ها و حساسیت‌های نظام تصمیم‌گیر را دگرگون ساخته و از این طریق تصمیمات را بهینه کند.

موضوع توسعه با ملاحظات محیط زیست و اخلاق محیط زیست مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مرحله دوم این فرایند، اهداف با توجه به ملاحظات اخلاق محیط زیست تعیین، تشریح و توصیف می‌گردد. مرحله سوم به شاخص‌سازی و تعریف گزینه‌های مختلف اهداف توسعه اختصاص دارد. شاخص‌ها و گزینه‌های مختلف تعیین شده، با توجه به معیارهای فعلی و آتی محیط زیست و معیارها و اصول مسلم اخلاق محیط زیست، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و بر اساس آن موضوعات مختلف تعریف می‌شود.

مرحله چهارم نیز به پیش‌بینی اثرات، ارزیابی آثار، مقایسه گزینه‌های مختلف و ارزیابی احتمالی طرح توسعه می‌پردازد. نتایج حاصل از این مرحله با توجه به ملاحظات محیط زیست و اخلاق محیط زیست مورد بررسی قرار می‌گیرد و گزینه‌های ترجیحی انتخاب می‌شوند. از آنجا که نظارت، بررسی و بهبود مستمر تحقق اهداف از اصول جدایی‌ناپذیر فرایند برنامه‌ریزی می‌باشد، مراحل پنجم، ششم و هفتم به آن اختصاص یافته است.

با توجه به اینکه اصولاً برنامه‌های راهبردی برنامه‌هایی کلی‌نگر، جامع‌نگر، و تعیین جهت‌کننده هستند تا برنامه‌هایی کمی و عملیاتی



شکل ۱: روند پیشنهادی اجراء ارزیابی راهبردی محیط زیست تلفیقی با اخلاق محیط زیست برای طرح‌های توسعه

بحث و نتیجه‌گیری

پیدایش اخلاق محیط زیست و توجه اندیشه‌وران به ضرورت استفاده از آن برای حفظ محیط زیست از یک سو و تنظیم برنامه توسعه بدون توجه به آن از سوی دیگر یکی از عوامل مشکل‌آفرین می‌باشد (۱۰). براین اساس، نگارندگان بر آنند که با قراردادن اصول اخلاق محیط‌زیست و اختصاص عنوان و فضای لازم و تأثیر دادن نکات آن در طرح‌های توسعه و استفاده از آموزه‌های اخلاقی نه به صورت نظری بلکه به صورت کاربردی در تدوین ارزیابی‌های توسعه تحولات چشمگیری به وقوع خواهد پیوست.

بررسی‌های چند ساله اخیر نشان داده است که EIA فقط در سطح طرح و به صورت موضعی در مقیاس خرد عمل می‌کند. در حالی که ارزیابی استراتژیک محیط زیست سایر سطوح تصمیم‌گیری همچون خط‌مشی‌گذاری، طرح‌ریزی و برنامه‌های عملیاتی را نیز شامل می‌شود و این دامنه شمول به صورت کلان در مقیاس جهانی، ملی و منطقه‌ای می‌باشد (۲۷).

ارزیابی راهبردی محیط زیست ابزاری پذیرفته شده برای ارزیابی محیط زیستی تصمیم‌گیری‌هاست و نیز، یک رویکرد سامانمند برای شناسایی، پیش‌بینی، معرفی و کاهش اثرات زیست محیطی سیاست‌ها، طرح‌ها و برنامه‌ها بوده و در سطح راهبردی عنوان می‌شود.

ضرورت قراردادن آموزه‌های اخلاقی در تدوین طرح‌های توسعه بدان سبب است که فعالیت‌ها و اقدامات انسانی، قبل از آنکه هویت عملی و قالب مرئی به خود بگیرند، به شکل تصمیم می‌باشد و تصمیمات نیز تا زمانی که عملی نشوند، آثار عملی نخواهند داشت. اما به دلیل اینکه الگوهای تصمیم‌گیری از نظام‌های ارزشی پیروی می‌کنند، این نظام‌های ارزشی، به تصمیمات مختلف، رتبه‌های متفاوتی می‌دهند و هنگامی که یک فرد، یا سازمان اجتماعی با چند تصمیم به طور همزمان مواجه باشد، با مراجعه به نظام ارزشی حاکم، تصمیماتی را انتخاب می‌کند که در مجموع، رتبه بیشتری در نظام ارزشی پذیرفته شده کسب کند و آنها، تصمیماتی هستند که مطلوبیت آن فرد و یا نظام اجتماعی را تأمین می‌نمایند. بنابراین صرف بررسی خط‌مشی‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های عملیاتی (سطوح راهبردی) در ارزیابی راهبردی محیط زیست، به لحاظ تطابق‌پذیری آنها با معیارهای محیط زیستی کفایت نمی‌کند، زیرا ممکن است در مرحله‌ای که باید در مورد ضرورت "تدوین" طرح و اجرای آن تصمیم‌گیری شود، تصمیمات غیرقابل برگشتی گرفته شود که اصلاح آنها مستلزم هزینه‌های بسیار

بالایی باشد. با توجه به این نقص در ارزیابی راهبردی محیط زیست، می‌توان نتیجه گرفت که محل و زمان کاربرد مؤثر ارزیابی محیط زیست باید در مرحله "تدوین و تصمیم‌گیری" طرح‌های توسعه باشد.

میزان حساسیت‌های محیط زیستی و دل‌نگرانی نسبت به حفظ کیفیت محیط زیست نیز در هر جامعه‌ای به نظام ارزشی آن جامعه و تصمیم‌گیران آن بستگی دارد. در صورتی که حفظ کیفیت محیط زیست و منابع طبیعی، ارزشی همسنگ با سایر منابع و موضوعات داشته باشد، رعایت ملاحظات و معیارهای محیط زیستی نیز در نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری آن جامعه، امکان‌پذیرتر خواهد بود. از آنجا که وضعیت محیط زیست در هر جامعه تابع تصمیم‌گیری‌های نظام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی آن جامعه می‌باشد، می‌توان انتظار داشت که با اصلاح نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در جهت رعایت توان‌ها و حساسیت‌های محیطی، محیط زیست پایداری وجود داشته باشد.

بدون شک رهیافت‌های مورد استفاده کنونی، از نوع رهیافت‌های اصلاحی^{۱۲} هستند که بر اساس کار آنها، ترمیم خرابی‌ها پس از وقوع، یا تعدیل آثار آنها پس از طراحی مورد توجه می‌باشد و عموماً منحصر و وابسته به تجهیزات مادی بوده و چه بسا که هزینه تجهیزات برای اصلاح، در برخی از مواقع چنان بالا می‌باشد که از انجامش سر باز زده می‌شود. این مورد برای کشورهای در حال توسعه که عموماً دارای ضعف‌های شدید سرمایه‌ای هستند، نوعی محدودیت اساسی محسوب می‌شود. در مقابل، تمرکز رهیافت‌های پیش‌بینی‌کننده، پیشنهاد برای اصلاح چگونگی انجام کارها و گزینش‌ها در مرحله تدوین می‌باشد و بدیهی است که این موضوع، بیشتر مقوله‌ای بینشی و سیاست‌گذاری می‌باشد که با اعمال آنها می‌توان دو مقوله کاهش هزینه‌ها و اثر بخشی هزینه‌ها^{۱۳} را امکان‌پذیر نمود. شایان ذکر است که این موارد برای کشورهای در حال توسعه بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

با توجه به اینکه از یک سو طرح‌های توسعه بر اساس نگرش توسعه اقتصادی مطرح و اجرا می‌شود (۳۷) و از سوی دیگر هدف اصلی توسعه پایدار، کاهش فقر می‌باشد (۳۸) در واقع لحاظ کردن نتایج ارزیابی‌های محیط زیست در برنامه‌ریزی، خود یک مفهوم اقتصادی را در بر دارد. زیرا از نظر فنی این امکان وجود دارد که منابع را با اصلاحاتی که در آن می‌توان انجام داد برای هر نوع استفاده‌ای مهیا نمود، در حالی که وقتی منبعی خود پس از ارزیابی برای نوعی از

تنظیم گزارش‌های ارزیابی منعکس گردد و بدین ترتیب به‌صورت علمی و اجرایی در آموزه‌های آکادمیک و تجربی نهادینه گردد. در شکل شماره ۱ می‌توانید روند اجرای ارزیابی راهبردی محیط زیست تلفیقی با اخلاق محیط زیست را که محصول و پیشنهاد این مقاله می‌باشد مشاهده کنید.

بررسی تلفیقی ارزیابی راهبردی محیط زیست تلفیقی با اخلاق زیست محیطی علاوه بر اینکه از طریق اصلاح مسیرها و جهت‌ها در سطوح راهبردی و مفهومی، فعالیت‌های مختلف را بهینه می‌کند و مانع بروز آثار تجمعی، ترکیبی و القایی می‌شود، به دلیل هماهنگی با نظام ارزشی و برنامه‌ریزی با تأثیر بر نظام تصمیم‌گیری ارتقای کیفیت محیط زیست را هدف قرار داده و در برابر رهیافت سنتی حفاظت محیط زیست که رهیافتی اصلاحی است، رهیافت پیشگیری کننده^۱ محسوب می‌شود. این رویکرد در کشورهای در حال توسعه که به لحاظ کمیت سرمایه در زمینه تهیه تجهیزات مادی مرتبط با ترمیم تخریب‌های محیط زیستی دارای محدودیت‌های شدید می‌باشند، از طریق کاهش و اثربخشی هزینه‌ها، دارای جنبه‌های اقتصادی نیز بوده و بسیار مفید است و به‌طور کلی به عنوان یک رویکرد کلیدی در جهت اجرای مفهوم "توسعه پایدار" تلقی می‌شود.

کاربری انسان مهیا و سازگار باشد، استفاده از آن منبع برای کاربری یاد شده با کمترین هزینه انجام‌پذیر است (۳۹) و ضمناً با رویکردی پیشگیرانه از هزینه‌های اصلاحی و ترمیمی جلوگیری می‌کند.

در کشور ما ایران که از یک سو به تدریج اهمیت نظام‌های برنامه‌ریزی جامع و فراگیر در سطوح مختلف برای تصمیم‌گیران مشخص می‌گردد و حرکت‌هایی برای گسترش نظام برنامه‌ریزی آزمایشی و منطقه‌ای شکل گرفته است و از سوی دیگر دارای منابع غنی فکری و معرفتی اخلاقی - فرهنگی است، رویکرد ارزیابی راهبردی محیط زیست تلفیقی با اخلاق زیست محیطی به علت سازگاری بنیادی آن با نظام‌های برنامه‌ریزی جامع و فراگیر و سنت اخلاقی - دینی این سرزمین، می‌تواند در زمینه حفاظت محیط زیست، لایه‌های اطلاعاتی راهبردی مؤثری جهت آماده‌سازی بستر مناسب برای تصمیم‌گیری در سطوح راهبردی فراهم آورد و الگویی مناسب برای تصمیم‌سازی توسعه پایدار می‌باشد.

پیشنهاد می‌گردد که برای حل و جلوگیری از ایجاد و تشدید بحران‌های زیست محیطی، آموزه‌های اخلاق زیست محیطی، همراه با اصول علمی زیست محیطی به عنوان مبنا و جهت‌دهنده در سطوح راهبردی و تدوین خط‌مشی مورد توجه قرار گرفته و در کلیه مراحل

واژه‌نامه

1. Environmental Impact Assessment(EIA):
2. Cumulative Effects:
3. Induced:
4. Synergistic:
5. Project- level EIA(EIP):
6. End of cycle:
7. Strategic Environmental Assessment(SEA):

- ارزیابی آثار توسعه بر محیط زیست
- آثار تجمعی
- القایی
- ترکیبی
- در سطح طرح
- انتهای چرخه
- ارزیابی راهبردی محیط‌زیست

8. Policy:
9. Plan:
10. Program:
11. Conceptual:
12. Corrective approach:
13. Cost-effectiveness:
14. Preventire approach:

- خط‌مشی‌گذاری
- طرح‌ریزی
- برنامه‌های عملیاتی
- مفهومی
- رهیافت اصلاحی
- اثر بخشی هزینه‌ها
- رهیافت پیشگیری کننده

۱. پورخیز علیرضا. عمده‌ترین آشفته‌گی‌های زیست محیطی قرن حاضر. چاپ اول. انتشارات به نشر. ۱۳۸۱: ۱۶.
۲. اندرودی مهرداد. اصول و روش‌های مدیریت محیط زیست. چاپ اول. انتشارات کنگره. ۱۳۸۰: ۱۸۶-۳۰.
3. Richardson T (2005). Environmental assessment and planning theory: four short stories about power, multiple rationality, and ethics. *Environmental Impact Assessment Review* 25: 341-365.
4. Kula E (2001). Islam and environmental conservation. *Environmental Conservation* 28: 1-9.
5. Simmons IG (1993). *Interpreting Nature: Cultural Constructions of the Environment*. Routledge. London. pp: 8-22.
۶. کلارک استیون. اخلاق زیستی. ترجمه محمدحسن محمدی مظفر. چاپ اول. انتشارات باشگاه اندیشه. ۱۳۸۶.
۷. عمیق محسن، حسینی سید فضل‌الله. اخلاق زیست محیطی در اسلام. چاپ اول. انتشارات استاد مطهری. ۱۳۸۵: ۱۹.
۸. صفوی سید محمدرضا (مترجم). قرآن کریم (ترجمه بر اساس المیزان): سوره رعد، آیه ۱۱، سوره شعرا ۱۵۲-۱۵۱، سوره اعراف ۵۶، سوره مومنون ۷۱، سوره بقره ۲۷. چاپ سوم. انتشارات معارف. ۱۳۸۶.
۹. گنری ال کامستوک. خدا باوری و اخلاق زیست‌محیطی. ترجمه انشاءالله رحمتی. اطلاعات حکمت و معرفت. ۱۳۸۷، شماره ۳: ۶۵.
۱۰. محمدی آشنائی علی، محمدی آشنائی محمدحسین. درآمدی بر اخلاق زیست محیطی. مجموعه مقالات اولین کنفرانس مهندسی برنامه‌ریزی و مدیریت سیستم‌های محیط زیست. چاپ اول، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران. ۱۳۸۶: ۹۹.
۱۱. محقق داماد مصطفی. ضرورت ارتقاء ارزش‌های دینی و فرهنگی در توسعه پایدار. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی محیط زیست. دین و فرهنگ. چاپ اول. انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست. ۱۳۸۰.
۱۲. نصر سیدحسین. نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت. چاپ اول. انتشارات خوارزمی. ۱۳۵۹.
13. Nasr SH (1990). *Traditional Islam in the Modern World*. Kegan Paul International. New York.
۱۴. مخدوم مجید. زیستن در محیط‌زیست. چاپ نهم. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۸۴: ۱۰.
15. Tucker ME, Grim J (1998). Religions of the World and Ecology. *Earth Ethics* 1: Fall.
16. Gillespie A (1997). *International Environmental Law Policy and Ethics*. Clarendon Press. Oxford. London. pp: 70-142.
۱۷. بنسون جان. اخلاق محیط زیست: مقدمات و مقالات. ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده. چاپ اول. انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد. ۱۳۸۲: ۴۰.
۱۸. وهاب زاده عبدالحسین. شناخت محیط زیست. چاپ سوم. انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد. ۱۳۸۵: ۶۲۸.
19. Toynbee P (1972). Religious background of the present environmental crisis. *International Journal of Environmental Studies* 3: 141- 146.
20. Singer P (1999). *Ethics Across the Species Boundary in Nicholas Liw(ed): Global Ethics and Environmental*. Routledge. London. pp: 12-72.
۲۱. آسویا آجایی جان. اقتصاد محیط‌زیست برای غیراقتصاددانان. چاپ اول. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد. ۱۳۸۱.
22. Treweek J (1999). *Ecological Impact Assessment*. Black well science Ltd. USA.
23. Kalff SA (1995). A proposed framework to assess cumulative environmental effects in Canadian national parks: Park Canada Technical Report in *Ecosystem Science*. Park Canada. Halifax.
24. Mariot J (1997). *Environmental Impact Assessment – USA*. CRC Press. USA.
25. Owen HO, Ashley NJ (1999). *Environmental assessment in practice*. Routlage New Fetter Lane. London.
۲۶. پناهنده محمد. ارزیابی راهبردی محیط زیست (SEA): رویکرد برنامه‌ای به ارزیابی نشاندهای محیط زیست (EIA). محیط شناسی. ۱۳۸۲، شماره ۳: ۳۳-۶۱-۷۰.
۲۷. منوری مسعود، خوش منش‌زاده بهنوش. تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات ارزیابی زیست محیطی راهبردی (SEA) در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و نیاز سنجی آن در ایران. محیط زیست. ۱۳۸۶، شماره ۴۵: ۴۴-۳۸-.
28. João E (2007). A research agenda for data and scale issues in Strategic Environmental Assessment (SEA). *Environmental Impact Assessment Review* 27: 479-491.
29. Salder B, Verheen R (1996). *Strategic Environmental Assessment status: Challenges and Future directions*. The Hagus: Ministry of Housing, Spatial Planning and the environment of Netherlands.
30. Mörtberg UM, Balfors B, Knol WC (2007). Landscape ecological assessment: A tool for integrating biodiversity issues in strategic environmental assessment and planning. *Journal of Environmental Management* 82: 457-470.
31. Partidario MR (1998). Significance and future of Strategic Environmental Assessment. *International workshop on strategic environmental assessment*. Tokyo.
32. Partidario MR (2004). *LALA. 04 training course on SEA-experience and good practice*. International Association for Impact Assessment Press. USA.

33. Perdicoúlis A, Hanusch M, Kasperidus HD, Weiland U (2007). The handling of causality in SEA guidance. *Environmental Impact Assessment Review* 27: 176-187.
34. آیت‌اللهی علی رضا. اصول برنامه‌ریزی. چاپ اول. انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی. ۱۳۷۴ : ۸۷
35. Bérubé GG, Cusson C (2002). The environmental legal and regulatory frameworks: Assessing fairness and efficiency. *Energy Policy* 30: 1291-1298.
36. Noble BF (2002). *The Canadian experience with SEA and Sustainability*. Elsevier Science Inc. USA.
37. ورنیه ژاک. از محیط زیست چه می‌دانیم. انتشارات فرهنگ اسلامی. تهران. ۱۳۸۰.
38. World Bank (1992). *World Development Report*. Oxford University press. New York.
39. مخدوم مجید. شالوده آمایش سرزمین. چاپ ششم. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۸۴ : ۳۰

